

# تجارت و اشتغال

بخش دوم

منبع سایت اینترنتی بانک جهانی  
نویسندگان: برنارد هاگمن و آلن وینترز  
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

علاقه به تصاحب  
بازارهای خارجی  
است که شرکت‌ها را  
به افزایش بهره‌وری  
و کاهش هزینه‌های  
تولید وامی دارد.

## اشاره

افزایش پیوندها با اقتصاد جهانی و آزادسازی تجاری، چه تأثیری در ایجاد اشتغال دارد؟ در جستجوی پاسخ برای این پرسش محوری در بخش قبل به بررسی نتایج اعمال سیاست‌ها و اصلاحات خاص تجاری در کشورهای مختلف پرداختیم و یادآور شدیم که به عقیده برخی از کارشناسان، عامل اصلی ظهور چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی، چیزی نیست مگر استفاده بهینه و مولد از مازاد نیروی کار و کانال‌بندی هدفمند برای بهره‌برداری از منابع طبیعی. اینک توجه شما را به ادامه بحث در این شماره جلب می‌کنیم.

در افزایش بیکاری بخشی در کشورهای توسعه یافته‌ای چون آمریکا و کانادا، از نظر دور داشت.

هر کدام از بخش‌ها نیز با توجه به میزان حساسیت و آسیب‌پذیری‌شان در قبال واردات، نسبت به آزادسازی تجاری، واکنش نشان می‌دهند که این مسأله وابستگی زیادی به فاکتورهای دیگری چون تغییرات نرخ ارز و پیامدهای مثبت یا منفی آن بر شرایط حاکم بر مبادلات تجاری دارد. به طور کلی، هر گونه اصطکاک و کاهش در نرخ ارز می‌تواند رشد اشتغال خالص را در یک کشور، مختل کند که دلیل این امر نیز روشن است: با سقوط نرخ ارز، ایجاد مشاغل جدید، متوقف می‌شود و اخراج کارگران از کارخانجات و سازمان‌ها، سرعت می‌گیرد. البته این حساسیت بازار کار در قبال نوسانات نرخ ارز در کشورهایی مانند ژاپن و آلمان که دارای اتحادیه‌های کارگری قدرتمند و با نفوذ هستند، کمتر و ضعیف‌تر است.

حکایت کشورهای در حال توسعه، اما حکایتی متفاوت است. تحقیقات راما (۱۹۹۴) بر روی تأثیرات رقابت برآمده از آزادسازی تجاری بر روی ۳۹ بخش صنعتی در کشور اروگوئه، طی سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶، نشان داد که رابطه‌ای مستقیم و قوی بین حمایت دولت از صنایع داخلی و اشتغال در این صنایع وجود دارد (به ویژه در مورد صنایع تولیدی)، به نحوی که هر یک درصد کاهش در میزان این حمایت‌ها، موجب کاهش چهار تا پنج درصدی اشتغال در این بخش‌ها می‌شود. تحقیق ریونجا (۱۹۹۷) در مورد تأثیر چشمگیر کاهش تعرفه‌های گمرکی بر کاهش اشتغال در بخش‌های تولیدی مکزیکی نیز به نتایج مشابهی انجامید. تأثیر حذف یا کاهش تعرفه‌های گمرکی بر واردات بر سطح دستمزدها نیز قابل توجه و کلیدی است.

به طور کلی، از کلیت بررسی‌ها و مطالعات انجام شده بر روی تأثیرات حاصل از آزادسازی تجاری و افزایش واردات و یا



## اشتغال بخشی

بخش عمده بررسی‌های انجام شده بر روی تأثیرات آزادسازی تجارت بر اشتغال بخشی، به صورت مطالعات موردی درباره یک کشور خاص بوده و لذا مطالعات میدانی چندانی در این باره صورت نگرفته است. در اکثر موارد، صرفاً به محاسبه "مشاغل ایجاد شده" و "مشاغل حذف شده" در نتیجه کاهش یا افزایش صادرات و واردات اکتفا شده است. با این حال، می‌توان به نمونه‌های خوبی نیز در این میان اشاره کرد که به نحو مطلوبی به پیامدهای آزادسازی تجارت بر اشتغال بخشی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، گراسمن در سال ۱۹۸۷، بررسی جامعی را درباره دلایل افزایش بیکاری آمریکا در سال‌های دهه ۱۹۷۰ ترتیب داد و به این نتیجه رسید که باز کردن بیش از حد دروازه‌های آمریکا به روی واردات، موجب افزایش چشمگیر موارد از دست دادن شغل و بیکاری در نه صنعت تولیدی آمریکا شد. این کاهش در برخی صنایع، تا ۷۰ درصد کمتر از حد استاندارد (در حالت بدون واردات) بود. البته نقش عوامل داخلی مانند تقاضای بیش از حد برای نیروی کار ماهر و چرخش یک سویه نیروی کار را نیز نباید





حذف تعرفه‌های گمرکی بر اشتغال بخشی، چنین برمی آید که این تأثیرات، اندک و ناچیز بوده و تنها در صورت ترکیب شدن با فاکتورهای دیگری چون نوسانات نرخ ارز یا تحولات تکنولوژیکی است که می‌توان به آنها به عنوان عواملی درخور توجه و اعتنا نگریست.

### صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی و تولید

بسیاری از تحقیقات در مورد نقش و جایگاه صادرات (در برابر واردات) به عنوان یکی از فاکتورهای مثبت تعیین کننده

یکی از دستاوردهای جهانی سازی و آزادسازی تجارت، افزایش مهاجرت موقتی و دائمی است.

خود را حضور موفق در بازارهای بین‌المللی و صادرات به سرتاسر جهان قرار داده‌اند، تصمیم‌گیری‌های بهتر و مناسب‌تری دارند و اولین نتیجه اتخاذ چنین تصمیماتی نیز افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های سربار است. بر این اساس، واضح و مبرهن است که اصلاحات تجاری مانند آزادسازی تجاری، نه تنها نتواند بر این شرکت‌ها اثر منفی و زیان بار بگذارد، بلکه دست آنها را برای دسترسی آسان به بازارهای خارجی بازتر می‌سازد.

فینز ترا و هانسن کوشیدند تا تأثیرات مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و پیمان سپاری (Outsourcing) بر اشتغال و توسعه کشورها را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند. پیمان سپاری، راهی است برای منتقل کردن فعالیت‌های تولیدی از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه و استفاده از کارگران ماهر این کشورها در جهت تحقق اهداف شرکت‌های قدرتمند. این فرایند هم سود مالی سرشاری را برای شرکت‌های غربی به ارمغان می‌آورد (از طریق کاهش هزینه‌های تولید و دسترسی آسان و ارزان به منابع خام ارزشمند کشورهای عقب مانده یا در حال توسعه) و هم باعث اشتغال آفرینی در کشورهای میزبان، یعنی همان کشورهای فقیر و در حال توسعه می‌گردد.



در بازار کار، به این نتیجه‌گیری مشترک منتهی شده‌اند که صادرات دارای اثر مثبتی بر اشتغال در بخش‌های مختلف (به ویژه بخش‌های تولیدی) است، در حالیکه واردات بر این متغیر کلیدی و حیاتی اقتصادها، اثری منفی و مخرب دارد. تقویت هدفمند و درست صادرات بخشی نیز می‌تواند به ایجاد مشاغل جدید و جلوگیری از بیکاری کمک شایانی نماید.

صادر کنندگان در هر بخش و صنعتی، می‌توانند با استفاده از منابع مالی و امکانات عملیاتی، به افزایش اشتغال کلان در جامعه یاری رسانند. نمونه بارز چنین صادر کنندگانی را می‌توان در آسیای جنوب شرقی مشاهده کرد. جایی که شرکت‌هایی با مالکیت خارجی در کنار شرکت‌های دولتی، از درجات بالای بهره‌وری برخوردارند و علاوه بر تأمین مطلوب بازارهای محلی، بر بازارهای بین‌المللی نیز احاطه و تسلط دارند. به عبارت بهتر، علاقه به تصاحب بازارهای خارجی است که شرکت‌ها را به افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید وامی‌دارد. البته این بدان معنا نیست که تمام شرکت‌های مولد و پر بازده، در بخش صادرات فعال هستند و تمام شرکت‌های صادراتی، از بهره‌وری مطلوبی برخوردارند، بلکه منظور آن است که شرکت‌هایی که هدف اصلی





**پیمان سپاری  
راهی است برای  
منتقل کردن  
فعالیت‌های تولیدی  
از کشورهای  
توسعه یافته به  
کشورهای در  
حال توسعه و  
استفاده از کارگران  
ماهر این کشورها در  
جهت تحقق اهداف  
شرکت‌های قدرتمند.**

کارگران غیرماهر، چشم قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده، که این مسأله، بر نسبت اشتغال کارگران ماهر بر کارگران غیرماهر، تأثیر زیادی گذاشته است. در نتیجه چنین تحولاتی است که هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای توسعه یافته، تقاضا برای کارگران ماهر، افزایش و تقاضا برای کارگران غیرماهر، کاهش یافته است و این به معنای افزایش نابرابری‌های دستمزدی در جوامع است.

• به تبع به وجود آمدن چنین وضعیتی، کاهش محسوسی در قیمت کالاها تولید شده در صنایعی که از کارگران غیرماهر استفاده می‌کنند، مشاهده نشده است. به عبارت بهتر، رقابت جهانی که در قالب تجارت آزاد جلوه‌گر می‌شود، نتوانسته است کمکی به کاهش هزینه‌های تولید در صنایع و بخش‌هایی کند که از کارگران غیرماهر بهره می‌گیرند.

• تجارت و اصلاحات تجاری، فقط بخش محدودی از افزایش نابرابری‌های دستمزدی را موجب گردیده است و این مسأله هم در مورد کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته مصداق پیدا می‌کند.

• تأثیرگذاری مثبت یا منفی آزادسازی تجاری (گسترش تجارت و بازتر شدن آن) بر دستمزدها، بستگی زیادی به عملکرد سازمان‌های بازار کار، کارآمدی بازارهای سرمایه و کارایی بانک‌ها و بخش‌های مالی کشورها دارد.

• در کشورهای در حال توسعه، دیده شده است که واکنش دستمزدها در قبال اصلاحات و تحولات تجاری به مراتب بیش از واکنش اشتغال به این مسایل بوده است. بررسی‌های گوناگون نشان داده‌اند که آزادسازی تجاری موجب کاهش دستمزدها (و البته کاهش اشتغال) در بخش‌هایی شده است که مشمول کاهش تعرفه‌های گمرکی بوده‌اند. نمونه‌های متعددی از این کاهش دستمزدها و اشتغال‌ها را می‌توان در کشورهای در حال توسعه سراغ گرفت.

با این حال، رویکرد پیمان سپاری، روی دیگری نیز دارد که شاید چندان خوشایند نباشد: بررسی‌های فینزترا و هانسن نشان داد که پیمان سپاری، یکی از عوامل اصلی در ایجاد و افزایش نابرابری‌های دستمزدی در کشورهای در حال توسعه بوده است. علاوه بر این، پیمان سپاری در کشورهای در حال توسعه باعث گسترش شکاف بین کارگران ماهر و غیرماهر شده است، به نحوی که با رونق فرایند پیمان سپاری در این کشورها، تقاضا برای استخدام کارگران ماهر، افزایش و تقاضا برای کارگران غیرماهر، کاهش یافته است و این مسأله به بافت اشتغال بخشی این کشورها لطمه شدیدی می‌زند.

### **جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

بررسی‌های اجمالی مطالعات انجام شده در مورد تأثیر تجارت بر اشتغال، ما را به این نتیجه‌گیری معقول رهنمون می‌سازد که نقش تجارت در شکل‌گیری الگوهای خاص بازار کار، نقشی کلیدی و تعیین‌کننده است. با گسترش روزافزون روند جهانی‌سازی و تجارت جهانی، به ویژه در بخش خدمات، و تبدیل شدن تجارت به کانالی برای متحول‌سازی تکنولوژیکی، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم، کارایی و تأثیرگذاری تجارت نیز دوچندان شده است. داستان‌های مربوط به آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه، گواهی است بر تعیین‌کنندگی و نقش‌آفرینی اساسی تجارت در دنیای امروز.

به طور کلی، نتایج برآمده از تحقیقات دهه‌های اخیر در حوزه تأثیر تجارت و اصلاحات تجاری بر اشتغال را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

• طی سال‌های اخیر، تقاضا برای به کارگیری کارگران ماهر و ورزیده، رشد چشمگیری یافته است. دستمزدهای پرداختی به کارگران ماهر نیز در مقایسه با دستمزدهای



• تأثیر تجارت بر بازار کار، تا حد زیادی به ساختار بازار صنایع بستگی دارد. وجود موانع متعدد بر سر راه ورود و خروج شرکت‌ها، واکنش بازار در مقابل آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری را کندتر می‌کند. علاوه بر این، نابسامانی بازارهای مالی و سرمایه‌ای، راه را برای گسترش یا ورود شرکت‌ها می‌بندد. لذا به نظر می‌رسد که اهمیت این متغیرها، بمراتب بیش از بازار کار باشد.

• محور و هدف اصلی تحقیقات و مطالعات انجام شده بر روی تأثیر تجارت بر اشتغال و دستمزدها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بر روی بخش تولید متمرکز شده که مشکلاتی را در نتیجه‌گیری نهایی و نظریه‌پردازی به وجود می‌آورد، چونکه مرکز ثقل و مخزن اصلی اشتغال در کشورهای توسعه یافته، بخش خدمات (در مورد کشورهای OECD بیش از ۷۰ درصد) و در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده، بخش کشاورزی (بیش از ۶۰ درصد) می‌باشد. علاوه بر این، بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شاغل در کشورهای در حال توسعه، به ویژه در کشورهای فقیر، در بخش‌های غیررسمی و زیرزمینی مشغول به کار هستند که نظارت و کنترل چندانی بر آنها وجود ندارد. بر این اساس، لازمست که پژوهشگران علاقمند به مطالعه در مورد اثرات تجارت بر اشتغال، عمده توجه خود را به تأثیرات تجارت بر اشتغال و دستمزدها در بخش‌های خدماتی و کشاورزی معطوف کنند. بررسی پیامدهای مثبت یا منفی آزادسازی تجارت بر افزایش یا کاهش اشتغال در بخش‌های غیررسمی اقتصاد، از جمله موضوعاتی است که بررسی‌های چندانی درباره آن صورت نگرفته و افزایش اطلاعات در این حوزه می‌تواند به سیاست‌گذاران در اتخاذ سیاست‌های درست و اصولی کمک کند.

• پیاده شدن سیاست آزادسازی تجاری و گشودن درهای اقتصاد به روی جهانیان، یک نقش مهم و کلیدی را در متحول شدن ساختار اقتصادهای آسیای جنوب شرقی طی ۴۰ سال اخیر ایفا کرده و رشد و توسعه پایداری را برای این کشورها به ارمغان آورده است.

• یکی دیگر از دستاوردهای جهانی سازی و آزادسازی تجارت، افزایش مهاجرت، چه به صورت موقتی و چه به صورت دائمی است که اگر چه در این مقاله بدان پرداخته نشده، اما موضوعی اساسی در تعیین اثرات تجارت بر بازار کار و واکنش آن نسبت به اصلاحات تجاری در کشورهای در حال توسعه، به شمار می‌آید. جابجایی بین‌المللی افراد و مشاغل، مسأله‌ای صرفاً کاری و اشتغالی نیست، بلکه دارای جنبه‌های دیگری چون انتقال تکنولوژی، پول مهاجر (Remittance) و جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی نیز هست. تجربه هند در زمینه توسعه صنعت نرم‌افزار در بنگلور، نشان داد که اثرات ناشی از چنین جابجایی‌هایی تا چه حد می‌تواند عظیم و قابل ملاحظه باشد. بنابراین، یکی از چالش‌های اصلی فراروی کشورهای در حال توسعه طی سالیان آینده، عبارت خواهد بود از تسهیل جابجایی موقتی کارگران و انتقال آنها به برون مرز و در مقابل، تشویق کارگران مهاجر به مشارکت در فرایند توسعه از طریق جذب پول مهاجر.

• با این همه تأثیرات افزایش تجارت و جهانی‌سازی بر افزایش نابرابری‌های دستمزدی در کشورهای عضو OECD، کمتر و کم‌اهمیت‌تر بوده است، حال آنکه مثلاً در کشورهای آمریکای لاتین، وضعیت متفاوتی از این حیث به چشم می‌خورد.

• تأثیرگذاری چشمگیر و قابل توجه آزادسازی تجاری و جهانی‌سازی را باید در تغییر وضعیت اشتغال و دستمزدها در درون بخش‌ها و صنایع جستجو کرد. بررسی‌های پژوهشگران، نشان داده است که در نتیجه گسترش روند آزادسازی تجارت، شرکت‌های ناکارآمد و ضعیف در یک بخش یا صنعت، مجبور به کوچک‌تر شدن و یا حتی اعلام ورشکستگی شده‌اند و در بهترین حالت، محکوم به بهبود کارآمدی و بهره‌وری می‌شوند و در مقابل، شرکت‌های موفق و مقتدر، سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص می‌دهند.

• برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران، معتقدند که آن دسته از بخش‌ها و صنایع در کشورهای در حال توسعه که از بیشترین و بهترین حمایت‌های دولتی برخوردار هستند، همان صنایع و بخش‌هایی هستند که بیشترین حجم کارگران غیرماهر را با پرداخت پایین‌ترین دستمزدها در اختیار دارند. بنابراین، مسلم است که آزادسازی تجاری، به ویژه هنگامی که با آزادسازی سرمایه‌گذاری و FDI همراه گردد، می‌تواند بر وضعیت کارگران غیرماهر، تأثیر منفی بگذارد و نرخ بیکاری آنها را افزایش و دستمزدهای آنها را کاهش دهد. واقعیت آن است که اکثر قریب به اتفاق کشورهای، ترجیح می‌دهند تا بجای حمایت از صنایع و بخش‌هایی که کارگران غیرماهر را در استخدام خود دارند و از بهره‌وری اندکی برخوردار هستند، دست به حمایت از بخش‌ها و صنایعی بزنند که کارگرانی ماهر و زبده در اختیار دارند و از نظر بهره‌وری و سودآوری نیز وضعیت مطلوبی را تجربه می‌کنند.

**تأثیرگذاری مثبت  
یا منفی آزادسازی  
تجاری بر دستمزدها،  
بستگی زیادی به  
عمر و سازمان‌های  
بازار کار، کارآمدی  
بازارهای سرمایه  
و کارایی بانک‌ها  
و بخش‌های مالی  
کشورها دارد.**